قرض الحسنه در کتاب و سنت

دکتر عباس گوهری[1]
مهدی بیژنی[2]

چکیده:
بحث دربارهٔ قرض‌الحسنه زیر مجموعهٔ یکی از مباحث نظام فقهی و اقتصادی اسلام است. در دو دههٔ اخیر در کشور ما، واژه قرض‌الحسنه بسیار بر سر زبان‌ها افتاده و بانک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی نیز با پرداخت وام قرض‌الحسنه به متقاضیان، آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند و به اشتهار این واژه دامن زده‌اند. در این مقاله سعی شده است با عنایت به کل سیستم اقتصادی اسلام و آیات و روایات، جوانب گوناگون این موضوع را در دو مبحث جداگانهٔ کتاب و سنت مورد بحث و بررسی قرار دهیم. ضمن این‌که در مبحثی جداگانه به کارکردهای آن اشاره خواهیم کرد.

کلید واژه: اسلام، ،قرآن، قرض الحسنه، سنت

RICEST

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته الهیات و معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه:

قرض، جزئی از ارکان یک نظام اقتصادی است ، با نتایج مخصوص به خود و در قرآن و روایات بر اهمیت آن تأکید شده است. همانطور که نظام ربا و ربوی یک نظام اقتصادی جهت دار و هدف دار است و درست در مقابل قرض جای دارد. هدف نظام ربوی عبارت است از افزایش سود و سرمایه و ایجاد روحیهٔ تکاثر و ظلم و زور اما قرض نتایجی چون زنده کردن روح عطوفت در جامعه و ایجاد قسط و عدالت دارد. مختصر اینکه ربا بر ظلم و تعدی و جمع کردن مال بنا شده و قرض بر ایثار و احسان و مردم‌داری استوار گشته است. از این رو قرض، ربا را از صحنه‌ی اقتصادی بیرون می‌کند. در قرآن، ربا نظام زشت و منکر اقتصادی شمرده شده است و به قرض توصیه و تأکید شده و این دو قابل جمع نیستند و میانشان، نهایت تضاد و افتراق است. در نظام‌های اقتصادی جدید، چون بانک‌ها بر اساس بهره و سود بری پایه گذاری شده اند، قرض الحسنه وجود ندارد. اساس قرض الحسنه مبتنی بر ایمان به معاد و ثواب اخروی و عطوفت انسانی است و بدیهی است که نظام های اقتصادی جدید که از این مسائل به دور هستند، قرض الحسنه در آن جایی ندارد. قرآن نظام قرضی را بر پایه ثواب اخروی و عطوفت انسانی مطرح کرده است و هدف از آن را توازن و تعادل اجتماعی می‌داند، ولی در نظامهای اقتصادی جدید، توجه به ثواب اخروی کمتر دیده میشود و یا اصلاً دیده نمی‌شود و می توان گفت همین موضوع خود می تواند مُمیزه و مشخصه‌ی نظام اقتصادی اسلامی و غیر اسلامی باشد. البته در ادیان دیگر مانند یهودیت و مسیحیت، بحث قرض الحسنه مطرح شده است، ولی قرآن به طور جدی و اساسی این نظام اقتصادی را بر پایه نوع دوستی و افزایش ثواب اخروی مطرح کرده است و به این صورت در مذاهب دیگر مطرح نشده است و این خود امتیاز اسلام بر دیگر ادیان آسمانی است. در اقتصاد سرمایه داری به معنی اعم آن از موضوعات و عواملی بحث به میان می‌آورند که دارای انگیزه و مکانیسم اقتصادی باشد. اقتصاددانان نظام سرمایه داری از موضوعاتی که کاربرد اقتصادی ندارد و افزایش تولید نمی‌آورد، مانند قرض الحسنه بحث نمی کنند. زیرا این موضوع و موارد مشابه آن، مانند صدقه و احسان و ایثار ، پشتوانه‌ی معنوی و اعتقاد به ثواب لازم دارد. اگر کسی قرض بدهد و صدقه بپردازد، دارای ثواب است و این موضوع برای کسانی با معنی است که به ثواب و آخرت معتقدند، اما کسانی که فقط بحث از عوامل رفاه و تولید و افزایش

دارند، به این موضوعات فکر نمی کنند و از این جهت در اقتصاد دانشگاهها بحثی از قرض الحسنه نیست.

کلیات

مفهوم لغوی قرض

قرض واژه‌ای عربی و معادل فارسی آن وام است. با وجود اینکه واژه قرض معادلی فارسی دارد، اما در زبان فارسی کمتر آن را استعمال می کنند و بیشتر همان واژه قرض مشهور است. مصدر قرض «ألقرض» است و در قرآن به صورت باب افعال (أقرَضَ، یُقرِضُ، إقراض) استعمال شده است. واژه قرض از نظر لغوی به معنی قطع کردن و بریدن است و به قیچی هم از این نظر که چیزی را قطع می‌کند و می‌برد «مِقراض» می‌گویند. وجه تسمیه واژه قرض آن است که آدمی با قرض مقداری پول را از خود دور می‌کند. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج۲،ص۱۵۷)

اصطلاح قرض الحسنه

در دوره جاهلیت، قرض درمیان مردم معمول بوده است، اما فردی که به دیگری قرض می‌داد، معمولاً از مقروض طلب بیشتری می‌کرد و یا اینکه بر او منت می‌نهاد و یا از او هدیه می‌گرفت و یا مقروضین را برده و بنده خود می‌دانست. قرآن کریم با آوردن صفت «حسنه» آن سیستم قرض را رد کرد و کیفیت آن را به گونه‌ای دیگر بیان داشت و اصطلاح قرض الحسنه را در مورد آن به کار برد و کیفیت پرداخت قرض الحسنه و اصول و شرایط آن را بر اساس آیات خود و روایاتی که در ذیل آن آیات آمده است، نشان داد.

فصل اول: قرض الحسنه در قرآن کریم

در قرآن کریم، همه جا کلمه قرض با صفت «حسنه» و به صورت «قرضاً حسناً» آمده است.

RICEST

۱- قرض در قرآن کریم

در قرآن کریم، قرض در ردیف مسائلی چون صدقه، انفاق، زکات و نماز آمده و این حاکی از اهمیت آن است. قرض و صدقه و انفاق و زکات هم مانند نماز موجب تقرب به خداوند عالم می شود. در سوره توبه، آیه ۱۰۳، خداوند می فرماید: ای پیامبر! از مؤمنین زکات بستان که مال آنان پاک گردد. در پنج سوره بقره، مائده، حدید، تغابن و مزمل از قرض سخن به میان آمده است و در مجموع، در ۱۲ آیه بحث از قرض شده و در همه موارد، «قرضاً حسناً» آمده است. در ذیل به کیفیت پرداخت قرض الحسنه و اصول و شرایط آن بر اساس آیات و روایات خواهیم پرداخت.

قرض باید بدون منت و اذیت باشد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأذی ... (بقره/۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدقه خود را (زکات،انفاق و قرض) با منت نهادن و اذیت نمودن بر مقروض باطل و ضایع نکنید.

قرض باید از اموال خوب و حلال باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَیِّباتِ ما کَسَبْتُمْ ...(بقره/۲۶۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید از درآمدهای خوب و پاک و حلال خود انفاق کنید. با توجه به اینکه قرض یکی از انواع و مصادیق انفاق است، باید با نیت پاک و خلوص و برای نزدیک به خدا باشد، زیرا در قرآن قرض در ردیف نماز و زکات آمده است. خداوند در قرآن می فرماید: ... وَ أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَیْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ (مزمل/۲۰)

نماز بگزارید و زکات بدهید و به خدا قرض الحسنه دهید و هر خیری که برای خود پیشاپیش بفرستید، پاداش آن بزرگتر است. در این آیه قرض و زکات و نماز در کنار یکدیگر آمده است و لذا هنگامی دارای اجر عظیم است که با نیت خالص باشد.

قرض الحسنه باید بدون نفع و سود باشد، زیرا در غیر این صورت قرض الحسنه نخواهد بود و قرض ربوی قلمداد خواهد شد. ربا و قرض با یکدیگر به لحاظ ارزشی منافات دارد، اگر آیات مربوط به قرض در قرآن با آیات مربوطه به ربا مقایسه شود، منافات این دو با یکدیگر به دست می آید. در آخر آیات ربا،گیرندگان و دهندگان ربا تهدید و توصیف به

« عذابٌ علیم »، « اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون »، « کفار اثیم» شده اند. اما در آخر آیات مربوط به قرض آمده است: « غفر لکم»، « و لاکفرن عنکم سیئاتکم »، « اجر کریم » و « لا دخلنکم جنات تجری من تحتها النهار » و مختصر اینکه در آیات مربوط به ربا توبیخ و تهدید است و در آیات مربوط به قرض، تشویق و ترغیب.

۲- مشمولیت قرض و صدقه برای افراد در قرآن

خداوند در آیه هجدهم از سوره حدید می فرماید:

«إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»

خداوند به مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده‌ای که به خدا قرض الحسنه می‌دهند دو چندان پاداش می دهد و آن‌ها را اجری نیکوست در این آیه، از مرد و زن صدقه دهنده به صورت مجزا نام برده شده که بیانگر تساوی مرد و زن در اجر اخروی است. این آیه از سوره‌ی حدید، بیانگر اصلی کلی در نظام اقتصادی است؛ یعنی اگر در جامعه ای به این سه موضوع (انفاق، قرض و صدقه) عمل شود فاصله‌ی اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا تا حدودی از بین می‌رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می‌آید و جامعه از پاکی نفس و طهارت روان برخوردار می‌شود. بدیهی است که این سه موضوع نیز قابل جمع است. چون هر مرد یا زن هم می‌تواند انفاق کند و هم صدقه و قرض و زکات بدهد. به نظر می‌رسد همچنان که صندوق هایی تحت عنوان قرض‌الحسنه برای نهاد قرض تأسیس شده و می‌شود، می‌توان برای صدقه و انفاق هم صندوق‌هایی تأسیس نمود تا به صورت رسمی به این امر مهم، همت گمارده شود.

۳- مقصود از قرض به خداوند

در این‌جا مناسب است منظور از قرض دادن به خدا در قرض‌الحسنه مشخص شود. دو احتمال در این‌باره متصور است:

۱- خداوند، با قرار دادن خود به جای فقرا و مساکین، در واقع گیرنده حقیقی قرض را خود می داند. البته خداوند غنی است و نیازی به اموال دیگران ندارد. إِنَّ اللّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (حدید/۲۴). خداوند می تواند فقرا را غنی کند، ولی همهٔ امور طبق مشیت خداوند، واسطه و وسیله می خواهد و در اینجا اغنیا را وسیله قرار داده تا آنان را بیازماید و موجبات کمال معنوی ایشان را فراهم آورد.

۲- منظور از قرض به خداوند، قرض به پیامبر(ص) و امام معصوم (ع) و پیشوایان مسلمانان است. در آیه‌ی خمس آمده است:«وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبی ... (انفال/۴۱) » یعنی: خمس، از آن خدا و رسول و ذی القربی است و در این جا هم، قرض به خدا، قرض به خلیفه ی خداوند است که پیامبر است و بعد از آن حضرت، امام معصوم و در زمان غیبت، نایب امام است. البته احتمال اول، مناسب‌تر به نظر می رسد.

۴- ثواب قرض دادن

اگر قرض را یکی از مصادیق انفاق بدانیم، ثواب آن به هفتصد برابر و حتی بیش از آن می رسد. خداوند در قرآن، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۱ می‌فرماید: « مَثَلُ الَّذینَ یُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فی سَبیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فی کُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ وَ اللّهُ واسِعٌ عَلیمٌ »

مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می کنند، مثل دانه ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه ای صد دانه باشد. خدا پاداش هر که را بخواهد، چند برابر می کند. خدا گشایش دهنده و دانا است.

۵- قرض‌الحسنه، از مصادیق معروف است

خداوند متعال در سوره‌ی نساء آیه ۱۱۴ می فرماید: « لا خَيْرَ فی كَثيرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلاّ مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَيْنَ النّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللّهِ فَسَوْفَ نُؤْتيهِ أَجْراً عَظيمًا »

در بسیاری از نجواهایشان فایده ای نیست، مگر در سخن آنان که به صدقه دادن یا نیکی کردن و یا آشتی‌جویی فرمان می دهند. در این آیه سه موضوع در کنار هم آورده شده است. صدقه، معروف و اصلاح بین مردم. از امام صادق (ع) سؤال شد که مقصود از معروف در این آیه چیست؟ آن حضرت فرمودند: منظور قرض‌الحسنه است. (تفسیر المیزان، ج۵، ص ۹۴) بنابراین معروف، نوعی از صدقه است و یا صدقه نوعی از معروف است. معروف در لغت یعنی آن چه شناخته شده باشد و در مقابلش، آن چیزی است که شناخته شده نباشد. به بیان دیگر، معروف، آن چیزی است که عقل و شرع به خوب بودن آن صحه بگذارند و چون قرض الحسنه موضوعی است که عقل و شرع آن را تحسین می کند، لذا « معروف » نامیده شده است. افزون بر آیه‌ی فوق، حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است که آن حضرت می فرماید: «إنّما شدّد فی تحریم الرّبا لئلّا یمتنع النّاس من اصطناع المعروف قرضاً أو رفداً»: خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از عمل به معروف محروم نشوند (تفسیر مجمع البیان، ج۲، ص ۳۹۰) با توجه به اینکه آن چه در مقابل ربا قرار دارد، قرض الحسنه هست، باز هم می بینیم که در این حدیث از قرض به عنوان « معروف » نام برده شده است.

۶- قرض الحسنه، از مصادیق برّ است

خداوند در سوره‌ی مائده آیه ۲ می فرماید: « ... تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَديدُ الْعِقابِ(۲) »

در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید نه در گناه و تجاوز و از خدا بترسید که او به سختی عقوبت می کند. « برّ » جمع نیکی هایی است که عقل و شرع آن را تأیید کند.(بهشتی، اقتصاد اسلامی، ص۷۸)

« اثم » هم جمیع بدی هایی است که عقل و شرع، آن را ناپسند می شمارد. قرض الحسنه، مصداقی از « برّ » و ربا - هم که مقابل قرض الحسنه است - مصداقی از « اثم » است و در قرآن هم از رباخواران به نام « کفار أثیم » یاد شده است. بنابراین قرض

الحسنه مصداقی از « برّ » است که قرآن به انجام آن دستور می دهد و ربا مصداقی از « اثم » که خداوند از آن نهی می کند.

۷- قرض‌الحسنه، وسیله امتحان

ثروتمندان باید از دنیا برای آخرت کمک بگیرند و بدانند دنیای آن ها پایان‌پذیر است و در جهانی زندگی می‌کنند که ثروتمندتر از آنان آمده‌اند و رفته‌اند و نیز باید باور کنند که دنیا چون یک باغ وحش نیست که در آن همچون درندگان زندگی کنند و در آن باغ وحش طعمه هایی باشد که هر کس قوی تر باشد بیشتر از آن استفاده کند، اگر این چنین بود انسانیت از حیوانیت جدا نمی شد و آفرینش همهٔ موجودات برای انسان نبود و او تنها خلیفه الله روی زمین نمی شد. در میان انسان ها، برخی می توانند خود و دیگران را تأمین کنند و برخی فقط خویش را و بعضی دیگر، حتی قادر به تأمین خود هم نیستند. در دنیایی که همچون سفره ای گسترده است و همهٔ انسان ها مهمان آن هستند، چطور می شود که عده ای فقط بخورند و دیگران هیچ. نظام قرض الحسنه می خواهد بگوید همه طبقات می توانند در این عمل معروف شرکت جویند، چه آنان که دارا هستند و چه آنهایی که نادار شده همه مورد آزمایش الهی قرار می گیرند، اما متمولین بیشتر. قرآن با رساترین پیام، انسان را در این راه دعوت می کند.

فصل دوم: قرض الحسنه در سنت

قرض خواستن بدون نیاز و اضطرار، خلاف منش و شخصیت انسانی است و در روایات اسلامی قرض بدون حاجت، مکروه دانسته شده است و اساساً هر فرد مؤمنی باید بکوشد تا خود را مقروض نکند،چون فردی که مقروض می شود، خود را در مقابل طلبکار کوچک می‌بیند و احساس سر افکندگی می کند و این، دور از کرامت ذاتی انسان است که خداوند به او داده و انسان را گرامی داشته است؛ همچنین فرد مقروض آسایش روحی و تمرکز فکر خود را از دست می دهد و چه بسا از انجام کار های مثبت و مفید که نیازمند آرامش روحی است باز می ماند. گو اینکه در قرآن و احادیث بسیاری، برای پرداخت کنندهٔ قرض به ثواب زیادی اشاره؛ اما از سوی دیگر دریافت قرض، خاصه قرض بدون نیاز، مورد مذمت قرار گرفته است. رسول خدا (ص) می فرماید: ایاکم و الدین فانه

شین الدین. بپرهیزید از مدیون شدن که آن موجب خواری دین می شود. (وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۷۷)

۱- مؤمن خود را مقروض نمی‌کند

انسان باید در مواردی روی به قرض آورد که ناچار باشد و دستش از همه جا کوتاه شده باشد و اگر قرض نکند به مشکلات بزرگتری می‌افتد و یا اینکه فرصتی از دستش می‌رود و یا در زندگی صدمه و لطمه می‌بیند. در غیر از این موارد، خود را مدیون کردن جز اغتشاش فکری و ناراحتی روانی و غم و غصه فراوان، چیز دیگری در پی نخواهد داشت. از امام صادق (ع) روایت شده است که ایشان فرموده‌اند: من از سه چیز به خداوند پناه می‌برم: یکی از غلبهٔ بدهکاری و زیادی طلبکار، دوم از غلبهٔ دشمن و زیادی آن، سوم از زیادی زنان بیوه که مردان به آن‌ها رغبت ازدواج ندارند.(وسائل الشیعه، ج۱۳، باب اول، ص۸۰) یعنی زیادی بدهی، پریشانی فکر می‌آورد و زیادی دشمن هم موجب سلب آسایش می‌شود و زیادی زن بدون سرپرست ممکن است موجب فساد جامعه شود و لذا اگر در جامعه ای این سه بلا باشد، آسایش و سلامتی در آن جا نخواهد بود. در روایت دیگری از رسول خدا (ص) آمده است که آن حضرت فرمود: در روز قیامت شخص بدهکار را می‌آورند، اگر در نامه عملش حسنات باشد آن را منتقل به پرونده صاحب طلب می کنند و اگر حسنات نباشد، از سیئات طلبکار به نامه اعمالش اضافه می نمایند. (وسائل الشیعه، ج۱۳، باب اول، ص۷۷)

۲- مقروض شدن پیامبر (ص) و برخی از ائمه طاهرین(ع)

گفتیم که قرض کردن باید در هنگامی باشد که راه چاره ای نیست. از امام کاظم(ع) روایت شده است:« مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ فَغُلِبَ فَلْيَسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَلَى رَسُولِهِ»کسی که کوشش برای امور زندگی کند اما کمبود زندگی بر او فشار آورد و راه به جایی نبرد پس از خداوند عزوجل و رسولش طلب قرض کند. (من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص: ۱۸۳) در چنین شرایطی بود که ائمه دین و حتی پیامبر اسلام به قرض و بدهکاری روی می آوردند. در تاریخ آمده است که رسول خدا (ص) در هنگام رحلت لباس رزمش در نزد یکی از یهودیان مدینه، در مقابل شصت کیلو جو که برای مصرف خانواده قرض کرده بود،در گرو بود. همچنین در تاریخ آمده که امیرالمؤمنین و امام

حسن(ع) و امام سجاد (ع) در زندگی، گهگاهی به قرض می افتادند و نیز آمده است که هنگامی که امام حسین (ع) شهید شد، هفتاد هزار دینار بدهکار بود که به فرزندش وصیت فرمود که آن را بپردازد. (وسائل الشیعه، ج۱۳، باب ۲، ص۷۹) و یا اینکه روزی هارون الرشید به امام موسی بن جعفر(ع) گفت: چه مقدار بدهی داری؟ آن حضرت فرمود: بیست هزار دینار. هارون گفت: اجازه بده قرضت را بپردازم و مقداری هم اضافه برای ازدواج پسران و دخترانت بدهم و مقداری هم جهت عمران و آبادی زمین برای کشاورزی در اختیارت بگذارم. (مستدرک الوسائل، ج۱۳، باب۲، ص۳۹۰)

۳- اولویت قرض

گفتیم که تا آنجا که ممکن است انسان نباید خود را مقروض کند؛ اما در دو مورد است که به دلیل اهمیت آن، مقروض شدن پسندیده و ستوده است و خداوند تضمین کرده است که در این دو مورد قرض فرد مقروض را پرداخت خواهد کرد. این دو مورد، ازدواج و زیارت بیت الله الحرام است و دراین‌باره روایاتی آمده که شایان ذکر است از جمله اینکه فردی از امام صادق (ع) پرسید: آیا انسان می تواند قرض بگیرد و به حج برود؟ آن حضرت فرمود: آری؛ سپس پرسیده شد که آیا می‌تواند برای ازدواج قرض کند؟ آن حضرت فرمود: آری، شخص محتاج به ازدواج می‌تواند قرض کند و منتظر عنایت خداوند باشد که روزی خداوند در صبحگاه و شامگاه برای این موضوع می رسد. (وسائل الشیعه، ج۱۳، باب ۲، ص۴۱۰) اهمیت این دو موضوع بر کسی پوشیده نیست. ازدواج، موجب جلوگیری از فساد اجتماعی و اخلاقی است و حج، موجب شوکت اسلام و مسلمین است و مؤمنین باید به این دو امر توجه لازم را مبذول کنند و افرادی را که برای دریافت قرض، به خصوص در این دو مورد، پیش آن‌ها آمده‌اند از خود دور نکنند و صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز باید این دو موضوع را در اولویت کار خود قرار دهند.

۴- کسی که قرض خود را ندهد سارق است

عده‌ای قرض می‌گیرند، به شرط آنکه به موقع آن را بپردازند، ولی اهمیتی به پرداخت آن نمی‌دهند، این دزدی نیز خائنانه است. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند:« مَنِ اسْتَدَانَ دَيْناً يَنْوِي أَنْ لَا يَقْضِيَهُ فَهُوَ سَارِق» کسی که قرض کند و قصدش این باشد که آن را نپردازد، همچون دزد خواهد بود. (مجموعهٔ ورام(تنبیه الخواطر)، ج۲، ص۲۲۸)

۵- مؤمن خیانت نمی‌کند

خیانت، همچون دزدی شکل های گوناگون دارد. به عنوان نمونه فردی از دیگری پولی را قرض کند؛ ولی آن را به موقع نپردازد و بدهی خود را به بوتهٔ فراموشی بسپارد. شخصی به نام ابوثمامه، از اصحاب امام جواد (ع) نقل می کند که از آن حضرت سؤال کردم که می خواهم به زیارت مکه و مدینه بروم، ولی بدهکارم. حضرت فرمود: اول بدهیت را بپرداز و سپس به زیارت برو و سعی کن در حالی که خدا در زیارتگاه به تو نگاه می کند،

RICEST

بدهکار نباشی، زیرا اگر بتوانی بدهیت را پرداخت کنی و نپردازی و به زیارت بروی یک نوع خیانت است و مؤمن خیانت نمی کند. فانّ المؤمن لا یخون. (وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۸۳، باب ۴) این همه تأکید برای پرداخت قرض، بدین علت است که اگر این مسأله کاملاً رعایت شود، به همه نیازمندان رسیدگی خواهد شد و هر فردی به راحتی می تواند قرض‌الحسنه دریافت کند، در غیر این صورت، جامعه رو به ربا و بانک‌های ربوی خواهد آورد.

۶- قرض شهدا

آن چه در روایت مربوط به شهادت آمده این است که هر وقت مجاهد در راه خدا به شهادت رسید، خداوند تمام گناهان او را غیر از بدهکاری‌هایش می‌آمرزد، زیرا بدهی مربوط به حق‌الناس است و هنگامی آمرزیده خواهد شد که صاحب حق از آن بگذرد. در این باره امام محمد باقر (ع)فرموده‌اند: « كُلُّ ذَنْبٍ يُكَفِّرُهُ الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا الدَّيْنَ فَإِنَّهُ لَا كَفَّارَةَ لَهُ إِلَّا أَدَاؤُهُ أَوْ يَقْضِيَ صَاحِبُهُ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي لَهُ الْحَق» تمام گناهان شهید در راه خدا پوشیده و بخشیده می‌شود، مگر بدهکاری او که کفاره ای ندارد. مگر اینکه پرداخت شود و یا وصی او به جای او آن قرض را بپردازد و یا صاحب حق آن را عفو نماید.(الخصال، ج۱، ص۱۳)

۷- مصلحت دادن مهلت به مقروض تنگدست

اگر مقروض یا بدهکار تنگدست بود و یا در هنگامی توانایی نداشت، باید طلبکار به او مهلت دهد و به او فشار نیاورد. امام صادق (ع) فرموده است: همان طور که شخص بدهکار نباید طلبکار را معطل کند و باید سروقت طلب او را بپردازد، شخص طلبکار هم خوب است که بدهکار تنگدست را مهلت دهد. (مستدرک الوسائل، ج۱۳، باب ۵، ص۳۰۰) از امام محمد باقر (ع) روایت شده است: خداوند در روز قیامت عده ای را زیر سایه عرش خود قرار می دهد که صورت هایشان از نور است و بال و پرهایشان از نور و بر کرسی‌هایی از نور می نشینند. در آن حال منادی صدا می‌زند که این‌ها قومی هستند که آسان گرفتند بر مؤمنین و شخص تنگدست را مهلت دادند تا متمکن شود و آن‌گاه پول خود را وصول کردند (وسائل الشیعه، ج۴، ص ۴۲۰، ح ۲) این احادیث درباره کسی است که واقعاً تنگدست باشد، آن هم در یک فصلی از زمان. اما کسی که همیشه تنگدست است باید از بیت المال قرضش ادا شود و اصلاً نباید قرض بخواهد و اگر هم بدهکار شد، باید طلبکار به او مهلت بدهد، باشد که خداوند در روز قیامت به او عنایت کند.

RICEST

۸- افراد شایسته‌ی دریافت قرض

معمولاً سه دسته از مردم هستند که قرض‌الحسنه می‌گیرند: ۱- آن هایی که به لحاظ مالی ثروتمندند. ۲- افرادی که بسیار تنگدستند. ۳- افرادی که نه چندان ثروتمند هستند و نه چندان فقیر. اما افرادی که ثروتمند هستند، اگر قرض بگیرند، با این عمل خود امکان قرض گرفتن را از نیازمندان سلب می کنند و لذا قرض گرفتن آنان جایز نیست. افرادی هم که بسیار تنگدست هستند، چون قادر به پرداخت قرض خود نمی شوند، لذا قرض گرفتن آنان جایز نیست، بلکه حکومت اسلامی باید به این دسته از افراد از بیت المال کمک کند و به دستگیری آنان بشتابد. بنابراین قرض، ویژه افرادی است که نه چندان ثروتمند هستند و نه چندان فقیر و نیازمند، بلکه در برهه‌ای از زمان نیازمند شده‌اند و امکان و قدرت پرداخت قرض را ندارند. از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است: کسی که دنبال روزی برود و در تنگنا قرار بگیرد آن‌گاه باید قرض کند (وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۸۱) افزون بر آن چه گفتیم، قرض ویژه افرادی است که بخواهند آن را در حلال و مشروع صرف کنند. بنابراین کسانی که می خواهند با دریافت قرض، آن را در حرام و کارهای نامناسب خرج کنند، شایسته دریافت قرض نیستند و نباید به آنان قرض داد.

۹- پرداخت قرض

افرادی که مقروض هستند، اگر مقداری پول دارند که تنها برای مصرف روزانه زندگی خود و خانواده ایشان کفایت می کند، باید بدهی خود را مقدم بر آن بدارند و برای خرج روزانه خود سعی و تلاش کنند و یا اینکه زکات بگیرند و زندگی خود را با زکات اداره نمایند. فردی از امام صادق (ع) پرسید که: شخصی از ما مقداری پول دارد ولی بدهکار است. آیا با آن زندگی خود را اداره نماید و برای پرداخت بدهی خود انتظار روزی و درآمد دیگری بکشد و یا اینکه آن پول را به بدهی بدهد و برای اداره‌ی زندگی خود صبر و قناعت کند و با مشکلات زندگی بسازد و یا اینکه زکات بگیرد؟ امام صادق (ع) فرمودند: از آنچه دارد، بدهی خویش را بپردازد و اموال مردم را نخورد، چون خداوند در قرآن فرموده است: اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر بر اساس رضایت و تجارت حلال. (وسائل الشیعه،ج۱۳، ص۸۴، باب۴) بنابراین، امام صادق(ع) پرداخت بدهی را

مقدم بر خرج خانواده می داند و گرفتن زکات و مصرف آن را بر چنین افرادی جایز می داند. از آنچه گذشت، نتیجه می گیریم که پرداخت بدهی چنان مورد تکیه و تأکید است که آن را باید حتی بر مخارج روزانه زندگی مقدم داشت و فرد بدهکار باید با قناعت و صرف زکات، زندگی خود را اداره کند و آنچه خود می اندوزد به بدهکاری‌هایش اختصاص دهد.

۱۰- با زکات می‌توان بدهی مقروض را ادا کرد

یکی از بودجه‌های حکومت اسلامی، زکات است و مسئولیت جمع‌آوری آن به عهده حکومت اسلامی است. یکی از مصارف زکات، پرداخت آن به «غارمین» است. «غارمین» کسانی هستند که در زندگی مقروض شده‌اند و قدرت پرداخت بدهی خود را ندارند که به آنان «ورشکسته» می گویند. حکومت اسلامی، یا کسانی که نیابت از حکومت اسلامی دارند، موظف‌اند با پرداخت زکات به بدهکاران، از آنان دستگیری کنند.

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است: کسی که با سعی و کوشش روزی از راه حلال به دست آورده و خود و خانواده‌اش را اداره می‌نماید، اگر تنگ‌دست شد با توجه به اینکه سعی و کوشش برای تأمین معاش خود کرده است، بر خدا و رسول است که خرجی او را بدهند و اگر مُرد، بر پیشوای مسلمین است که بدهی او را تأمین کند و اگر پیشوای مسلمین این وظیفه را انجام ندهد، گناهکار خواهد بود. زیرا خداوند در قرآن می فرماید: زکات برای مصرف فقرا،مساکین و بدهکاران است. (وسائل الشیعه، ج۱۳،ص۹۲) از این حدیث و امثال آن به خوبی برداشت می‌شود که باید از زکات، قرض بدهکاران بی علاج و درمانده پرداخت گردد و این کار هم به عهده نظام اسلامی است.

۱۱- لزوم گرفتن امضاء یا شاهد در هنگام پرداخت قرض

از آنجا که اسلام دینی اجتماعی و اخلاقی است و مانع بروز مفاسد اجتماعی و اختلاف و خصومت است، دستورات خود را بر اسلوبی استوار می‌سازد که موجب اختلاف نشود. لذا در هنگام دادن قرض و هر قرارداد اجتماعی دستور داده که آن را بنویسند و اگر امکان نوشتن نباشد، دستور می‌دهد که دو شاهد بر وقوع معامله یا قرارداد حاضر باشند. گرچه امکان دارد قرض دوستانه انجام گیرد، ولی در عین حال نوشتن قرار داد و تعیین مدت پرداخت، مناسب‌تر و با روح اسلام سازگارتر است. همچنین در مواردی که دهنده پول

به خاطر شرم و رفاقت دستور اسلام را در نوشتن و امضا گرفتن یا شاهد گرفتن مراعات نمی‌کند، باید گیرنده پول این موضوع را مراعات نماید. امام صادق (ع) فرموده اند: چهار طایفه هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود: یکی از آنها کسی است که قرض می دهد اما شاهد یا نوشته نمی‌گیرد و علت اینکه دعایش مستجاب نمی‌شود، این است که خداوند می فرماید: آیا دستور ندادم که گواه در قراردادها بگیرید؟ (وسائل‌الشیعه، ج۱۱، ص۴۱) این حدیث شریف اشاره می کند به آیه ۲۸۲ سوره بقره که خداوند می فرماید: « یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا تَدایَنْتُمْ بِدَیْنٍ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکْتُبُوهُ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون وام تا مدتی معین به یکدیگر می دهید، آن را بنویسید و در قسمت دیگری از همین آیه آمده است: اگر امکان نوشتن نباشد دو شاهد مرد در قرار دادها بگیرید و اگر دو شاهد مرد نبود، یک شاهد مرد و یک شاهد زن بگیرید. خلاصه اینکه اسلام درستکاری و محکم‌کاری را بر دوستی و رفاقت مقدم می دارد و سلامت جامعه را در پیشگیری از اختلاف و درگیری می داند.

۱۲- ضبط اموال بدهکار

اگر کسی نتوانست بدهی خود را بپردازد، نمی‌توان وسیله کسب و زندگی او را گرفت و یا خانه او را تصاحب کرد و یا وسایل ضروری زندگی او را (مانند: یخچال، ماشین، فرش و غیره) در عوض بدهی او به گرو گرفت. شخصی به نام ابن زیاد می گوید: خدمت امام صادق(ع) مشرف شدم و عرض کردم از کسی طلبکارم و او می خواهد خانه اش را بفروشد تا پول من را بدهد. امام صادق(ع) فرمود: «أعیذُک بالله ان تخرجهُ من ظلّ رأسه». پناه می برم به خداوند که او را از خانه‌اش بیرون برانی و بی خانمانش کنی (وسائل الشیعه، ج۱۰،ص ۹۶،باب۱۱،کتاب الدین) البته کسی که بدهکار است و بدحسابی می کند و دارای خانه اضافی است و زمین غیر زراعی دارد و یا اموال فراوان و مازاد بر احتیاج دارد، قاضی شرع باید اموال او را تصاحب نماید یا آن را بفروشد و حق طلبکاران را بپردازد، چنانچه امیرالمؤمنین علی (ع) به شریح قاضی دستور داد که این کار را انجام دهد و حقوق مردم را به صاحبانش برگرداند.

۱۳- کیفیت دریافت طلب

کیفیت دریافت بدهکاری افراد حقیقی که به یکدیگر قرض‌الحسنه می دهند از مسائل قابل اهمیت است و با کیفیت دریافت بدهکاری از طریق بانک متفاوت است. در بانک‌ها، طلب را قسط‌بندی می کنند و اگر این دقت و شدت در بانک ها نباشد، موجب ورشکستگی بانک می‌شود. اما طلبکاری خارج از بانک که در بین افراد است و به اصطلاح از همدیگر پول دستی می گیرد باید طوری در وصول آن‌ها رفتار شود که آن ثواب و قصد قربت در پرداخت قرض، ضایع نشود و پاداش اخروی آن پایمال نگردد. فرد طلبکار، باید رعایت اخلاق و شئونات اسلامی را بکند و در هر کوی و برزن ننشیند و نگوید که من از فلانی طلبکارم و او پولم را نمی‌هد. شخصی از اصحاب امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام به مردی فرمود: چرا با فلانی که برادر دینی توست نزاع می کنی؟ آن شخص عرض کرد که از او طلبکارم و مطالبه حقم را می‌کنم. امام صادق (ع) فرمودند: پس معنی این آیه شریفه چیست؟ که خداوند می فرماید: یَخافُونَ سُوءَ الْحِسابِ(رعد/۲۱) آیا این طور نیست که بدهکارها می ترسند که بر آن ها ظلم شود و بر کیفیت مطالبه سختگیری گردد؟ (وسائل الشیعه، ج۱۳، باب ۱۶، ح۳، کتاب دین) مختصر اینکه نباید بدهکار را در فشار قرار داد و به اصطلاح، متّه بر روی خشخاش گذاشت، بلکه باید مقداری به او فرصت داد و یا اگر نادار است از بدهی او کسر نمود و به او ارفاق کرد.

۱۴- قرض امانت است و باید آن را پس داد

افرادی که قرض می‌گیرند چه از دیگران و چه از بانک‌ها، باید آن را به موقع مسترد دارند و بدانند که پول، مال دیگران است و عنوان امانت دارد و باید آن را پس داد و خیانت نکرد و از امام صادق (ع) روایت شده است: ادّو الامانات الی اهلها و ان کانو مجوسیا ... امانت را به اهلش برگردانید، ولو صاحب آن مجوسی باشد (مراه العقول، ج۱۹، ص ۱۰۱)

RICEST

۱۵- پرداخت قرض با پول حرام

ممکن است فرد مسلمان و غیرمسلمان از یکدیگر قرض بگیرند. اگر فردی غیر مسلمان از طریق نامشروع (مانند خرید و فروش خوک و شراب مسکر) مال بیندوزد و بخواهد با آن مال حرام بدهی خود را بپردازد، میان فقها اختلاف نظر است. عده‌ای آن را جایز می‌دانند و عده‌ای می‌گویند اگر مسلمان نداند که این پول از کجا آورده شده و حلال یا حرام است، اشکال ندارد که آن را وصول کند، اگر چه از راه حرام بدست آمده باشد. در واقع شخص بدهکار نمی‌تواند از درآمد حرام بدهی خود را بدهد و طلبکار هم با علم به حرام بودن آن، نمی‌تواند طلب خود را از کسب حرام وصول کند، مگر اینکه نداند که در این صورت اشکالی ندارد. از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده‌اند: شخص غیر مسلمان می تواند از تولید خوک و شراب بدهی خود را به مسلمانان بدهد و برای مسلمان عیب ندارد آن را وصول کند (مرآه العقول، ج۱۹، ص ۳۰۰، ح ۱۰، ۱۱)

۱۶-قرض مصرفی و استهلاکی

قرض را به دو گونه می‌توان تقسیم‌بندی کرد: قرض تولیدی و قرض مصرفی یا استهلاکی؛ در قرض تولیدی، کسی به دیگری قرض می‌دهد تا او با آن به امور تولیدی بپردازد، اما در قرض مصرفی یا استهلاکی، قرض به مصرف امور روزمره می‌رسد و صرف کارهای تولیدی نمی‌گردد. عمده موارد آنچه از روایات قرض مورد بررسی قرار گرفت، در امور مصرفی بود و مربوط به ازدواج، زیارت خانهٔ خدا، زراعت، پرداخت بدهی، مداوای مریض، و امثال آن و اساساً قرض برای امور جزیی و مصرفی صحیح است و مواردی که از معصوم سؤال شده، همه در امور زندگی و معیشتی است و آنچه نیز امروزه در بین مردم رواج دارد و مفهوم قرض در ذهنشان است برای همین امور است. اما قرض برای سرمایه‌گذاری در تولید و توزیع و یا امور خدماتی، ممکن است از موارد قرض‌الحسنه خارج باشد و در این موارد، اسلام شرکت مضاربه را تأسیس کرده است. البته در امور کلی، مانند ایجاد واحدهای مسکونی و سرمایه‌گذاری در جهت تولید و امثال آن می‌توان از راه تعاونی وارد عمل شد و اسلام تعاونی را بدین منظور قرار داده است.

فصل سوم: کارکردهای قرض‌الحسنه

در آیات و روایات که منابع متقن دینی ما به شمار می‌روند، توانایی‌ها و کارکردهای متعددی برای قرض‌الحسنه شمرده شده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- قرض‌الحسنه میثاق و پیمانی میان انسان و خداوند است که پایبندی به این میثاق، در حقیقت ارج نهادن به گوهر انسانیت و شخصیت واقعی انسان است. اجرای این میثاق نیازمند دلدادگی انسان به آفریدگار هستی و وعده‌های اوست و به بیان دیگر لازمه‌اش ایمان و باوری است که در دل ریشه دوانیده باشد و طبعاً نتایج چنین باور و ایمانی، شکوفایی فضیلت ها و گسترش نورانیت و معنویت در دلهاست.

۲- قرض الحسنه، یک آزمون الهی است. همان طور که نماز، زکات و جهاد، آزمون‌های الهی هستند و همه در این آزمون، سنجیده می‌شوند و در این عرصه درجه خلوص، مروّت و انسانیت مشخص می گردد. موفقیت در این ابتلائات، به معنای تقرّب به گوهر بی‌همتایی است که رسیدن به آن، دست یافتن به سعادت، خوشبختی و سرور دائم است.

۳- اسلام برای طرد عمل ربا، سیستم قرض‌الحسنه را مطرح کرده است. طرد یک روش زیانبار در جامعه و جایگزین کردن روشی کارآمد و سودمند، فرایندی مهم ولی دشوار است که نیازمند آگاهی دادن و بردباری و تداوم است. به طور منطقی باید فرهنگ و روش جدید، قابلیت‌ها و توانایی‌های اداره یک جریان اجتماعی و تربیتی- فرهنگی را داشته باشد و اسلام توانسته توأم با طرح عالمانه فرهنگ قرض‌الحسنه در اجرا- که در سیره زندگی سلسله انبیاء و اولیاء علیهم السلام به وضوح روشن است- نیز آن را عینیت بخشد و به صورت عملی، به عنوان یک فرهنگ مؤثر و کارآمد در جامعه دینی تعبیه کند و عملاً ربا را از جامعه طرد سازد. درست به همین جهت هرگونه شرط منفعتی در قرض الحسنه، حرام معرفی شده است، خواه این شرط به طور صریح بیان شود ویا در ضمیر باطن مورد قصد و نیت قرار گیرد.

۴- نوع‌دوستی و دستگیری از نیازمند، یکی از مسائل اساسی است که اسلام، نسبت به انجام آن توصیه کرده است و یکی از راه‌های تحقق این ارزش، قرض‌الحسنه است. همچنین، منزلت آن بیشتر از انفاق و صدقه است، زیرا قرض الحسنه به دست نیازمند واقعی می‌رسد و موجب تلاش و کار بیشتر قرض‌گیرنده می‌شود، اما در انفاق و صدقه

این جنبه سازندگی و تربیت نفوس انسانی بسیار کمرنگ است. زیرا گیرنده صدقه و انفاق، هیچ‌گونه الزامی به باز پس دادن موضوع مورد انفاق و صدقه ندارد، ولی قرض-الحسنه چنین نیست.

۵- اسلام به منظور رشد فضیلت‌ها و صفات ارزشمند، روش‌های عملی را مطرح کرده است. یکی از این روش ها قرض الحسنه است که موجب رشد فضیلت "سخاوت" در انسان می‌گردد و علاوه بر آن به طرد صفت رذیله "بخل" می‌انجامد، زیرا کسی که مقداری از دارایی‌اش را به مؤمنان نیازمند، قرض می‌دهد توانسته است بهره‌مندی از آن دارایی را در اختیار مؤمنان نیازمند قرار دهد و به آن‌ها ببخشد، از این رو این بخشش بیانگر زنده بودن روح انسانیت در شخص است، در حالی‌که انسان بخیل، فاقد چنین توان و روحیه‌ای است.

۶- کارکرد مهم دیگر قرض الحسنه این است که انسان را از دایره منیّت، خودبینی و خودخواهی - که حصار بزرگی در برابر کمال طلبی انسان است - خارج می‌سازد و او را به مرکز تمام کمالات و زیبایی‌ها سوق می دهد. قرض‌الحسنه این خاصیت را دارد که روحیه مهرورزی، همدلی و مواسات را در انسان زنده می‌کند و در حقیقت شکل‌دهنده شخصیت متعادل انسانی و راه تقرّب و نزدیک شدن به خداوند بزرگ است.

نتیجه‌گیری

قرض‌الحسنه به عنوان رفتاری برخاسته از تعالیم دینی، رفتاری ارزشی است که با توجه به فلسفه هایی که برای آن شمرده شده کارکردهای مؤثر و متعددی برای فرد و جامعه دارد و اساساً این سنت به لحاظ همین کارکردها و آثار، توصیه و تأکید شده است که در واقع از یک سو نشانگر دیدگاه‌ها و نکته‌سنجی‌های دقیق اسلام می‌باشد و از سوی دیگر نقش تربیتی این فرهنگ در خودسازی، شکوفایی فضیلت‌ها و نیکی‌ها بسیار حایز اهمیت است. دستیابی به آثار فرهنگی قرض‌الحسنه در اجتماع، منوط به رعایت شرایط و شاخص‌هایی است که در کتاب و سنت مطرح شده است. وجود توانایی‌ها و قابلیت‌های تأثیرگذار و سازنده در قرض الحسنه، این فرهنگ دینی را، فرهنگی فعال، زاینده و پرتوان ساخته است و این امکان رابه مجریان و عموم علاقه‌مندان می دهد تا به صورت علمی، فراگیر و عمیق در گسترش و ترویج آن بکوشند و جامعه را به سوی شناخت اجرای دقیق آن فرا خوانند.

منابع:

۱- بهشتی، محمد حسین، اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران:دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ چهارم، تهران: مکتبه الأسلامیه، ۱۳۹۱ق.

۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم محمد بن الحسین بن المفضل، المفردات فی غریب القرآن، تهران، نشر کتاب، ج۲، ۱۴۰۴ ه.ق.

۴- سعیدی، محمد، ربا در اسلام، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.

۵- شیخ صدوق، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ه.ش.

۶- صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ه.ش.

۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۸- مجلسی، محمد باقر، مرآه العقول، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۶.

۹- مروارید، علی اصغر، سلسله الینابیع الفقهیه، چاپ اول، بی جا: الدار الا سلامیه، ۱۴۱۰ه.ق.

۱۰- مقداد، جمال الدین، کنز العرفان فی فقه‌القرآن، مکتبه المرتضویه، تهران: بی‌جا، ۱۳۴۳.

۱۱- موسوی همدانی، سید محمد باقر ، ترجمه تفسیر المیزان ، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

۱۲- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ه.ق.

۱۳- ورام ابن ابی فراس، مجموعهٔ ورام(تنبیه الخواطر)، چاپ اول، قم: مکتبه فقیه، بی‌تا.

RICEST